



ارتش جمهوری اسلامی ایران
سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

پدران سرباز، پسران سرباز

نویسنده: علیرضا اسفندیاری

بر اساس خاطرات محمدعلی اسفندیاری

سرشناسه : اسفندیاری، علیرضا.

عنوان و نام پدیدآور : پدران سرباز، پسران سرباز/ نویسنده: علیرضا اسفندیاری.

مشخصات نشر : تهران: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۴۰ص: مصور.

شابک : ۴۵۰۰۰ ریال؛ A - ۸ - ۵۴ - ۶۰۲۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : قیفا

موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

شماره افزوده : سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران

رده بندی کنگره : PIR ۷۹۵۳ ۱۳۹۰ ۴پ۲۷۵س/

رده بندی دیویی : ۶۲/۳۶۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۹۶۷۳۷

پدران سرباز، پسران سرباز

نویسنده: علیرضا اسفندیاری

صفحه‌آرایی: حسن گل - حامد مهدوی

طرح روی جلد: حسین حجتی فرد

ویراستاری: سید بهزاد میراحمدی

کنترل نهایی: علی اسماعیل‌زاده

سال چاپ: ۱۳۹۱ - نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ، لیتوگرافی و صحافی: چاپخانه کوروش

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

ناشر: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران

آدرس: تهران، چهار راه شهید قدوسی، ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

تماس با انتشارات: ۸۱۹۵۴۱۱۱

سخن ناشر

خدا بود؛ ایران بود، سرباز و تفکر بسیجی...

امروز دیگر نمی‌توان در ارتش‌های جهان، نقش بی‌بدیل سرباز را از یاد برد. چگونه می‌توان نزدیک به ۵۰۰۰۰ شهید ارتش را از یاد برد، که دوسوم آنها کارکنان وظیفه، و تنها یک‌سوم‌شان کارکنان کادر می‌باشند! راستی در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، اگر مقضی خدمات‌های ۵۶ و ۵۷ به داد جمهوری اسلامی نمی‌رسیدند، چه اتفاقی می‌افتاد؟! آیا کسی تا به حال تحقیق کرده، این انسان‌های گمنام آموزش دیده، چه کرده‌اند؟! یادم هست آن روزها که با یک فراهخوان، این سربازان ندای رهبر خود را لبیک گفتند و به جبهه‌ها شتافتند، کاری کردند، کارستان! اما صد افسوس که نه تاریخ‌نگاران به این سربازان پرداختند و نه مستندسازان سخنی را منتشر کردند.

این انسان‌های گمنام و بی‌ادعا که حماسه‌ها آفریدند، زحمات‌شان در لابه‌لای سطور تاریخ همانند تجربیات گرانقدر آنان مدفون شده است! صد افسوس که حتی آمار دقیقی از آنان وجود ندارد. شاید قسمت این بوده که تلاش این مردان بی‌ادعا در تاریخ گمنام بماند، ای کاش می‌شد، در بسیجی همگانی بدین مهم پرداخت و این خلاء تاریخی را با مقاله، کتاب، مستند، فیلم، عکس و... جبران کرد.

این سربازان آمدند، ماندند و جنگیدند؛ اما حتی نامی از آنان در یادها

نمانده است! صد افسوس که حتی در تبلیغ‌های مختلف چنین می‌خوانیم:

«گنجره‌ی سرداران و امیران...»

ما دست و بازوی همه‌ی سرداران و امیران را می‌بوسیم. اما آنچه آنان را

به این جایگاه رسانده، سربازان گمنامی بودند که امروز از یادها رفته‌اند!

کتابی که پیش رو دارید خاطرات سربازی است، که پدر شده... و گویش پسری که حالا هم سرباز است. آنان نوش‌ها و نیش‌ها، عبرت‌ها و آموزه‌های خود را از زبان یک سرباز به رشته‌ی تحریر در آورده‌اند. با این امید که به وسیله‌ی ثبت این چند سطر و نگارش این کتاب، دین خود را به جامعه‌ی سربازی ادا کرده باشند.

روزی که این طرح از جانب آقای «علیرضا اسفندیاری» پیشنهاد شد، خدا را شکر گفتم که یکی از دلایل پیروزی در صحنه‌ی نبرد را - که فراموش کرده بودیم - دوباره برایمان متجلی گردید.

خدا پدر آقای اسفندیاری را نگه دارد و اموات ایشان را قرین رحمت گرداند؛ که به این هدف جامه‌ی عمل پوشانند. این‌ها هم این کتاب مورد رضایت حق تعالی، و موجب شادی قلب نازنین مولایمان امام زمان (عج) و فرمانده‌ی معظم کل قوا، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای نیز قرار گیرد.

و من الله التوفیق

سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس آجا

سرتیپ دوم ستاد حسن سیفی

سخن نویسنده

همیشه وقتی صحبت از جنگ به میون می‌یاد، ناخودآگاه دو تصویر توی ذهنم تداعی می‌شه. به تصویر از کسانی که توی جنگ پیروز می‌شن و چیزهای زیادی بدست می‌یارن؛ و تصویر دیگه، آدم‌هایی که تمام داشته‌های خودشون رو توی این جنگ از دست می‌دن.

این سکه دو رو داره. یک رو پیروز و فاتح، و دیگری شکست خورده و بازنده. این خاصیت جنگیده.

از همون اولین جنگ که بین ایران حضرت آدم و حوا رخ داد، هیچ کس به درستی نمی‌دونه که قایل برنده‌ی این جنگ بود، و هابیل بازنده و شکست خورده؛ و یا برعکس!

هشت سال دفاع مقدس برای ما ایرانی‌ها، شبیه به این جنگ نابرابر بود! از طرفی در این دوران، مردم ایران چیزهایی رو بدست آوردن که هرگز نداشتن. آزادی، قدرت ایمان، خودباوری و خیلی چیزهای دیگه‌ای که حتی یکی از این‌ها برای فاتح بودن توی جنگ کافی بود، و از طرفی مردانی رو از دست دادن، که بی‌شک

در هیچ دورانی از تاریخ تکرار نخواهند شد؛ و شاید این
بزرگ‌ترین شکست بود!

هر چند، از این پدران سرباز، پسرانی متولد شد و برجای ماند،
که آنها هم درست مثل پدران‌شان، در هر لباسی و با هر عقیده و
گرایشی می‌دانند، که سرباز به دنیا می‌آیند.

سربازانی که به شوق اسلحه و کشتار، سرباز نیستند! آنها سرباز
به دنیا می‌آیند که ایران همچنان ایران سربلند بماند.
آری...

از پدران سرباز،

پسران سرباز متولد می‌شوند!

تنها خدا خواسته است، که ما توانسته‌ایم!

علی‌رضا اسفندیاری

محرم ۱۳۹۰

مثل همیشه با سر و صدای بچه‌ها از خواب بیدار شدم. یادمه
پیش‌ترها، وقتی صبح زود می‌رفتم سرکار، معمولاً علی‌رضا و زهرا
خواب بودن و خونه رو توی سکوت و آرامش ترک می‌کردم. ولی
بعد از سی و چند سال کار کردن، توی این یکی دو سالی که
بازنشسته شدم، دیگه از اون آرامش ابتدای صبح‌ها، خبری نیست.